

زیارت قبور در منابع اهل سنت

احمد باقریان ساروی^۱

چکیده

زیارت قبور، که با حضور بر سر گورهای مردگان به ویژه بزرگان دین و مذهب تحقق پیدا می‌کند، از معارف اسلامی است و جواز بلکه استحباب آن از ادله نقلیه استفاده می‌شود. در این میان معدودی از مسلمانان، که به سلفیون و اخیراً به وهابیون معروف هستند متأثر از افکار انحرافی ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب اند، در کنار انکار تعدادی از معارف اسلامی، همانند توسل و شفاعت، با زیارت قبور نیز به مخالفت برخاسته و آن را شرک به شمار آورده‌اند.^۲

در این پژوهش تلاش کرده‌ایم با توجه به قرآن کریم و اخبار وارد شده در منابع اهل سنت و اقوال علمای آنان به شبهه شرک بودن زیارت قبور پاسخ دهیم و ثابت کنیم که زیارت قبور هیچ گونه ناسازگاری‌ای با توحید ندارد و بلکه از معارف اسلامی است و از کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ نه تنها جواز بلکه استحباب آن استفاده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: زیارت، زیارت قبور، وهابیت، اهل سنت، توحید.

saraviiiaahmad@gmail.com

۱. سطح چهار حوزه، تدریس خارج فقه، مؤسسه اسرا، گروه فقه

۲. الرسائل الکبری، ج ۲، ص ۶۵.

مقدمه

زیارت موضوع اخلاقی - انسانی رایج میان همه جهانیان است؛ چنان‌که افراد به زیارت پدر و مادر، همچنین همسایه به زیارت همسایه، کوچک‌ترها به زیارت بزرگ‌ترها می‌روند و نیز زندگان در گورستان‌ها حضور می‌یابند و یادی از درگذشتگان می‌کنند؛ برای مثال مسلمانان آیاتی از قرآن برای شادی روح ایشان تلاوت می‌کنند و برایشان دعا کرده، آمرزش می‌خواهند.

زیارت قبور در آیین اسلام با توجه به ادله نقلیه امضا شده و مشروعیت یافته است؛ تا آنجا که صحابه نیز با تبعیت از پیامبر ﷺ به آن پایبند بوده‌اند. در مقابل، برخی مدعیان تسنن، معروف به سلفیون و وهابیون، زیارت مردگان را نامشروع و شرک می‌دانند؛ در حالی که اگر زیارت شرک باشد، همه بشر و همه مسلمانان - جز معدودی از سلفیون - مشرک خواهند بود، بلکه بزرگان دین و شریعت نیز به شرک متهم خواهند شد؛ اما با مطالعه در آیاتی از قرآن و روایات و سیره پیشوایان دین و مذهب مشروعیت و استحباب زیارت قبور، به‌ویژه زیارت قبر مقدس پیامبر اکرم ﷺ و دیگر بزرگان دین، ثابت می‌شود؛ نیز روشن می‌شود که زیارت امری مشروع و مستحب و دارای آثار معنوی برای زائر و مزور است.

واژه‌شناسی

«زیارت» در لغت به معنای قصد کردن، و در اصطلاح عرف قصد کردن «مَزُور» به خاطر احترام و تعظیم به او و مأنوس شدن با اوست. «مَزُور» یعنی کسی که او را زیارت می‌کنند و «مَزار» به معنای مکان زیارت است» (طُرَیحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۳، ص ۳۱۹ - ۳۲۰) این واژه در فارسی به معنای دیدار کردن و بازدید کردن است (معین، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۱۷۶۷)، جز اینکه دیدار گاهی با زندگان و گاهی با مردگان به صورت حضور یافتن کنار گورهایشان است.

ارزش زیارت قبور

در منابع شیعه درباره ارزش و فضیلت زیارت قبور احادیث فراوانی وارد شده و برای زیارت قبور پیامبران، به ویژه قبر مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام، زیارتنامه‌ها و دعاهایی از آنان وارد شده است که برخی را در ادامه می‌آوریم:

امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «مَنْ نَوَى مِنْ بَيْتِهِ زِيَارَةَ قَبْرِ إِمَامٍ مُفْتَرَضٍ طَاعَتُهُ وَأَخْرَجَ لِنَفَقَتِهِ ذَرْهَمًا وَاحِدًا كَتَبَ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ لَهُ سَبْعِينَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَحَا عَنْهُ سَبْعِينَ أَلْفَ سَيِّئَةٍ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۷، ص ۱۳۴، ح ۳۴)؛ «کسی که از خانه خود زیارت قبر امام واجب‌الاطاعه را قصد کند و یک درهم برای آن هزینه نماید خدا برای او هفتاد هزار حسنه نوشته و هفتاد هزار گناه را از او محو می‌گرداند...».

امام رضا علیه السلام نیز فرمود: «أَنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُثْقِ شِيعَتِهِ وَإِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَحُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ فَسَنَ زَارَهُمْ رَاغِبًا فِي زِيَارَتِهِمْ كَانُوا شُفَعَاءَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (مفید، ۱۴۱۲ق، ص ۲۰۱، ح ۱)؛ «برای هر امامی پیمانی بر گردن شیعه اوست و وفای کامل به پیمان و ادا کردن خوب آن زیارت قبور آنان است؛ پس کسی که با میل آنان را زیارت کند آنان در روز رستاخیز شفیعان او خواهند بود».

براین اساس اگر کسی با اولیای الهی در زمان حیاتشان دیدار کند یا پس از رحلتشان قبرهایشان را زیارت کند، یعنی کنار قبرهایشان حضور یابد و آیاتی از قرآن برای شادی روحشان تلاوت کند یا بر ایشان سلام بدهد و برایشان در پیشگاه خدا دعای خیر کند - اگر از این جهت باشد که آنان اولیای الهی‌اند - زیارت آنان و نیز زیارت قبورشان از ارزش معنوی و اخروی فراوانی برخوردار است.

نوع علمای اهل سنت نیز در ارزش زیارت قبور صالحان تا اندازه‌ای با شیعه هم عقیده‌اند و فراوان مشاهده می‌شود که اهل سنت به زیارت قبور صالحان می‌روند؛ چنان‌که برای قبور آنان ساختمان سقف‌دار ساخته‌اند؛ ولی سلفیون مدعی تسنن زیارت

قبر پیامبر ﷺ و صالحان را شرک می‌دانند (ر. ک: صلابی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۹۱، به نقل از: ابن تیمیه، منهاج السنّه، ج ۲، ص ۱۲۴).

این تکفیریه ضمن عناوینی که در ادامه می‌آید، بررسی شده و پاسخ گرفته است؛ ولی پیش از آن باید یادآوری کرد که اندیشه نادرست وهابیون مخصوص گروهی ناچیز از علمای منتسب به اهل سنت است که جایگاه علمی مناسبی ندارند و در برخی امور اعتقادی اندیشه‌ای انحرافی جدا از اندیشه اکثر اهل سنت و مسلمانان دارند؛ همچنین به سبب مخالفت با اعتقادات اصیل اسلام و شرک خواندن مسلمانان از یک سو به تحریف معارف صحیح اسلام و قرآن می‌پردازند و از سوی دیگر بر طبل اختلاف میان مسلمانان می‌کوبند؛ وگرنه اکثریت مطلق اهل سنت، همانند شیعه، به زیارت قبور معتقدند؛ چنان‌که در مدینه قبر مقدس پیامبر ﷺ و مزار امامان معصوم علیهم‌السلام را به عنوان اهل بیت و نیز قبور شهیدان صدر اسلام (همانند شهیدان مدفون در قبرستان بقیع و احد) و قبور بزرگان مذهبی خود را زیارت می‌کنند.

مباحث

زیارت در طول توحید

آری در یک صورت زیارت شرک می‌شود و آن اینکه در برابر توحید و اعتقاد به یکتایی خدا قرار گیرد و زائر برای مزور اصالت و اهمیتی در عرض خداوند قائل شود و با این اعتقاد از او درخواست حاجت کند؛ ولی این‌گونه زیارت مذموم به زیارت مردگان اختصاص ندارد، بلکه گاهی با زیارت و دیدار ستمگران و تأیید ستمگری آنان در زمان حیاتشان نیز تحقق می‌یابد؛ چنان‌که در برخی جوامع عقب مانده به اندازه‌ای به مزور اهمیت می‌دهند که زائر اعتقاد پیدا می‌کند آن مزور بدون ارتباط با خدا و استقلالاً در حد خدا می‌تواند برای او کاری انجام دهد و در نظام طبیعت تصرف کند. این‌گونه زیارت‌ها به یقین شرک به خداوند و حرام است و با اعتقاد به توحید و یکتایی خدا سازگار نیست؛ ولی اگر زائر برای مزور در برابر خدا اصالت قائل نشود، بلکه ارزش و اعتبار مزور را به سبب ارتباط

عمیق او با خدا و با اذن خدا بداند، نه تنها زیارت و توسل به صاحب قبر شرک نیست، بلکه هماهنگ با توحید است.

زیارت در مذهب شیعه دوازده امامی از نوع معقول، مشروع و صحیح آن است. شیعه از این جهت به زیارت قبر شریف پیامبر ﷺ و قبور امامان معصومین و صالحان می‌رود که آنان را از مقربان درگاه خدا می‌داند و ارزشمند می‌شمارد. این روش - چنان‌که در ادامه می‌خوانید - روش شخص پیامبر ﷺ و فاطمه علیها السلام و برخی اصحاب پیامبر ﷺ در قبال قبور مسلمانان بقیع و شهیدان اُحد بوده است.

زیارت در قرآن و سنت

نه تنها هیچ دلیلی از قرآن و روایات صحیح پیامبر ﷺ بر حرمت زیارت قبور وارد نشده است، بلکه برخی آیات قرآن و روایات بر سیره عملی پیامبر ﷺ مبنی بر زیارت قبور مردگان، به ویژه قبور شهیدان، دلالت می‌کند:

۱. خداوند درباره زیارت قبور منافقان به پیامبر ﷺ فرمود: «وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ...» (توبه، ۸۴)؛ «بر هیچ‌یک از آنها که بمیرد نماز نخوان، و بر کنار قبرش (برای دعا و طلب آمرزش) نایست».

این آیه بیانگر سیره پیامبر ﷺ مبنی بر رفتن به گورستان‌ها برای زیارت قبور مؤمنان است؛ وگرنه خصوصاً نهی از زیارت قبور منافقان معنا نداشت. افزون بر این اختصاص نهی از قیام بر گورهای منافقان گواه بر جواز قیام بر قبور مسلمانان غیر منافق است؛ چون مقصود از قیام تنها ایستادن بر روی قبرها نیست، بلکه مقصود زیارت آنان با ایستادن بر سر گور ایشان برای سلام دادن و خواندن آیات قرآن و دعا در حق صاحبان قبور است؛ چنان‌که علامه طباطبایی رحمه الله ذیل آیه نوشته است: «در این آیه اشاره است به اینکه پیامبر ﷺ بر گورهای مسلمانان نماز می‌خواند و برای دعا بر روی گورهایشان می‌ایستاد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۳۹۰).

۲. خداوند به پیامبر ﷺ فرمود: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» (نساء، ۶۴)؛ «و اگر این مخالفان هنگامی که به خود ستم می کردند (و فرمانهای خدا را زیر پا می گذاردند) به نزد تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می کردند و پیامبر هم برای آنها استغفار می کرد خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند. روایات فراوانی نیز بر جواز و مشروعیت زیارت قبور دلالت می کند که در ادامه شماری روایات منابع اهل سنت را می آوریم:

الف) نسائی در سنن خود با سندی از عبدالله بن بُریده از پدرش نقل کرده است که در مجلسی که در آن پیامبر ﷺ حضور داشت حضرت فرمود: «إِنِّي كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ... وَ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ، فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَزُورَ فَلْيَزُرْ، وَلَا تَقُولُوا هَجْرًا» (نسائی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۹۱، ح ۲۰۲۸)؛ «... شما را از زیارت قبور باز می داشتم. پس هر کس می خواهد آنان را زیارت کند، پس زیارت کند ولی سخن بیهوده (و ناشایست) نگوید».

ب) نسائی درباره زیارت قبر مادر پیامبر ﷺ نقل کرده است که حضرت فرمود: «وَأَسْتَأْذَنْتُ فِي أَنْ أَزُورَ قَبْرَهَا، فَأَذِنَ لِي، فَرُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تُذَكِّرُكُمُ الْمَوْتَ». (همان، ص ۹۲، ح ۲۰۳۰)؛ «من برای زیارت قبر مادرم از خدا اجازه خواستم. به من اجازه داد. پس قبور را زیارت کنید؛ زیرا آن [زیارت قبور] شما را به یاد مرگ می اندازد».

ج) واقدی پس از ذکر شهیدان احد نوشته است: پیامبر اسلام ﷺ در هر سال آنان را زیارت می کرد، او آن گاه که به ابتدای درّه می رسید، صدای خود را بلند می کرد و می گفت: «الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ، فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»؛ سپس ابوبکر در هر سال مانند آن را انجام می داد؛ سپس عمر مانند آن را انجام می داد؛ سپس عثمان مانند آن را انجام می داد... و فاطمه، دختر پیامبر ﷺ دو و سه روز در میان نزد آنان می آمد و نزد آنان گریه و دعا می کرد» (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۱۳؛ ذهبی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، المغازی، ص ۲۲۰).

د) از ابوهریره نقل شده است که پیامبر ﷺ با مخاطب قرار دادن شهیدان احد فرمود:

«أَشْهَدُ أَنَّ هَؤُلَاءِ شُهَدَاءُ عِنْدَ اللَّهِ، فَأَتَوْهُمْ وَ زُورُوهُمْ، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِمْ أَحَدٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَّا رَدُّوا عَلَيْهِ» (سیوطی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۶۳؛ واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۱۳)؛ «من گواهی می‌دهم که آنان شهیدان نزد خداوند هستند. پس نزد آنان بیایید و آنان را زیارت کنید. سوگند به کسی که جانم در دست اوست، هیچ‌کس تا روز قیامت بر آنان سلام نمی‌کند، جز اینکه به سلام او پاسخ می‌دهند».

ه) بیهقی از طریق عطف بن خالد مخزومی نقل کرده است که عبدالله بن ابی فروه از پدرش نقل کرده است که پیامبر ﷺ قبور شهیدان احد را زیارت کرد و گفت: «اللَّهُمَّ إِنَّ عَبْدَكَ وَ نَبِيَّكَ يَشْهَدُ أَنَّ هَؤُلَاءِ شُهَدَاءُ وَ أَنَّ مَنْ زَارَهُمْ أَوْ سَلَّمَ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ رَدُّوا عَلَيْهِ» (بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۳۰۷)؛ «خداوند، آنان شهیدان اند. تا روز رستاخیز اگر کسی آنان را زیارت، یا بر آنان سلام کند، به زیارت یا سلام او پاسخ می‌دهند».

و) طبرانی از عبدالرحمان بن زید بن خطاب از پدرش نقل کرده است که گفت: در روز فتح مکه به همراه پیامبر ﷺ به سوی قبرها رفتیم. پیامبر ﷺ بر روی گوری نشست و ما او را دیدیم که گویا مناجات می‌کند. سپس او برخاست، در حالی که اشک‌ها را از دو چشم خود پاک می‌کرد... سپس پیامبر ﷺ به ما اشاره کرد و فرمود: بنشینید. ما نشستیم. او فرمود: «إِنِّي كُنْتُ مَهْيُتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ، فَشَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَزُورَ فَلْيَزُرْ» (طبرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۸۲، ح ۴۶۴۸)؛ «من شما را از زیارت گورها باز می‌داشتم. پس هر یک از شما که بخواهد [گورها را] زیارت کند، زیارت کند».

ز) از بُرَیْدَه نقل شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «إِنِّي كُنْتُ مَهْيُتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ، فَزُورُوهَا، فَإِنَّهَا تَذَكِيرَةٌ لِلْآخِرَةِ» (طبرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۹، ح ۱۱۵۲؛ ترمذی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۲۰، ح ۱۰۵۶؛ ابویعلی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۰۳، ح ۲۷۸؛ ابو داود طیالسی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۴۳۳، ح ۸۴۴؛ متقی هندی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۶۵۱، ح ۴۲۵۸۳)؛ «من شما را از زیارت گورها باز می‌داشتم. پس آنها را زیارت کنید که آن [زیارت گورها] سبب یادآوری آخرت است».

ح) از ثوبان نقل شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «إِنِّي كُنْتُ مَهْيُتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ، فَرُؤُوهَا، وَاجْعَلُوا زِيَارَتَكُمْ صَلَاةً عَلَيْهِمْ وَاسْتَغْفَاراً لَهُمْ» (طبرانی، ج ۲، ص ۹۴، ح ۱۴۱۹؛ متقی هندی، ج ۱۵، ص ۶۵۱، ح ۴۲۵۸۷)؛ «من شما را از زیارت گورها باز می‌داشتم. پس آنها را زیارت کنید و زیارتتان از آنها را درود بر آنان و استغفار برای آنان قرار بدهید».

ط) نقل شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «إِنِّي كُنْتُ مَهْيُتُكُمْ عَنْ ثَلَاثٍ: عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ، ثُمَّ بَدَأَ لِي أَنَّهَا تُرْقِي الْقُلُوبَ، وَتُدْمِعُ الْعَيْنَ، فَرُؤُوهَا، وَلَا تَقُولُوا هَجْراً» (متقی هندی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۶۵۳، ح ۴۲۵۹۰)؛ «من شما را از سه چیز نهی می‌کردم. از زیارت گورها نهی می‌کردم. سپس برای من آشکار شد که آن [زیارت گورها] انسان را دل‌نازک می‌کند و موجب باریدن اشک چشم می‌گردد. پس آنها را زیارت کنید و سخن ناروا نگویند».

ابویعلی روایت را با سندی از انس نقل کرده و پس از «تدمع العين» آورده است: «وَتَذَكِّرُ الْآخِرَةَ، فَرُؤُوهَا، وَلَا تَقُولُوا هَجْراً...» (ابویعلی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۲۲، ح ۳۷۰۷)؛ «و آخرت را به یاد می‌آورد. پس آنها را زیارت کنید و سخن ناروا نگویند...». او حدیث را در جای دیگری بدون ذکر فایده زیارت قبور از عبدالله نقل کرده است. (همان، ج ۴، ص ۲۴۲، ح ۵۲۹۷).

ی) از عایشه نقل شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «إِنِّي بُعِثْتُ إِلَى أَهْلِ الْبَقِيعِ لِأُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ» (نسائی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۹۵، ح ۲۰۳۴)؛ «به من پیام داده شد تا نزد اهل بقیع بروم و بر آنان درود بفرستم».

درباره زیارت قبر پیامبر ﷺ نیز اخبار و احادیثی با عنوان ویژه آمده است که برخی از آنها از احادیث نبوی ﷺ، و برخی دیگر سخنان و سیره بزرگان اهل سنت است و در ادامه با عنوان «احادیث زیارت قبر پیامبر ﷺ» خواهد آمد.

زیارت قبور در مذاهب فقهی اهل سنت

ظاهراً چهار رهبر فقهی مذاهب اهل سنت اجمالاً اصل زیارت قبور را مستحب می‌دانند؛ اما اختلاف آنان درباره سفر برای زیارت قبور است که برخی آن را، اگرچه

زیارت قبر پیامبر ﷺ باشد، جایز نمی دانند.

در این باره اقوالی از علمای اهل سنت نقل می شود:

۱. عبدالرحمان جزایری در کتابی که فتوای مذاهب چهارگانه اهل سنت را در آن گرد آورده نوشته است: زیارت قبور نزد حنفیه و مالکیه مندوب [مستحب] است؛ به خاطر پند گرفتن و یادآوری آخرت و در روز جمعه و یک روز پیش از آن و یک روز پس از آن. حنبلی ها و شافعی ها مخالفت کردند...، بلکه سفر کردن برای زیارت مردگان، به ویژه مقابر صالحین، مستحب است؛ اما زیارت قبر پیامبر ﷺ از بزرگ ترین تقرب جستن به خداست. (جزایری، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۵۴۰).

ابن تیمیه با سندی از مالک نقل کرده است: مردم پس از وفات پیامبر ﷺ در روزهای جمعه به داخل اتاق های همسران پیامبر ﷺ می رفتند و در آنجا نماز می خواندند (ابن تیمیه، بی تا، ص ۱۲۱).

مباحث

۲. سُبکی شافعی در *شفاء السقام* پس از نقل اقوال فراوان فقیهان مذاهب چهارگانه - به ویژه مذهب مالک - نوشته است: خلاصه مذهب مالک این است که «زیارت تقرب جستن است»؛ ولی طبق عادت او در *سد الذرائع*، اکثار در زیارت، که به محذور منجر شود، کراهت دارد و مذاهب سه گانه به استحباب آن و استحباب اکثار آن قائل هستند؛ به این دلیل که اکثار خیر، خیر است و همه آنان بر استحباب زیارت اجماع دارند (سبکی شافعی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۱۶).

۳. ابن حبان، از علمای رجالی اهل سنت، در شرح حال امام رضا علیه السلام نوشته است: به قبر علی بن موسی الرضا علیه السلام - که در طوس کنار قبر هارون الرشید قرار گرفته و زیارتگاه مشهوری است - رفتیم. من بارها قبر او را زیارت کردم... (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۸، ص ۴۵۷).

۴. ابن حجر عسقلانی از حاکم نیشابوری نقل کرده است که گفت: من از ابوبکر محمد بن مؤمل شنیدم که می گفت: ما با امام اهل حدیث ابوبکر بن خُزیمه و هم طراز او

ابعلی ثقفی با گروهی از مشایخ ما بیرون آمدیم. آنان در آن هنگام انبوهی از جمعیت را برای زیارت قبر علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در طوس تشکیل داده بودند. [حاکم] گفت: من از تعظیم او یعنی تعظیم ابن خُزَیمه به آن بقعه و تواضع او در برابر آن به آن اندازه دیدم که متحیر گردیدم (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۴۳، ش ۵۵۲۹).

این اخبار و احادیث، که در برخی منابع فقهی و رجالی اهل سنت آمده است، در دلالت بر جواز سفر برای زیارت صالحان نزد بزرگان اهل سنت آن چنان روشن است که به توضیح نیاز ندارد.

فایده و انواع زیارت قبور

عقل حکم می‌کند که هر کاری با هدفی درست انجام شود و فایده و اثر یا پاداشی داشته باشد، به عبارت دیگر انسان خردمند کار بی فایده انجام نمی‌دهد. زیارت قبور از این حکم عقل مستثنا نیست و باید فایده یا پاداشی داشته باشد.

به فایده زیارت قبور گذشتگان در احادیث پیشین اشاره کردیم. سُبکی با ملاحظه مجموع روایات و اقوال، زیارت قبور را از جهت فایده و اثر به چهار نوع تقسیم کرده است: اول، زیارت تنها برای یادآوری مرگ و آخرت باشد. در این گونه زیارت قبور کافی است انسان، قبور را ببیند، بدون اینکه صاحبان آنها را بشناسد و چیز دیگری مانند استغفار برای آنان و تبرک به ایشان و ادای حقوقشان را قصد کند. این نوع زیارت قبور به دلیل سخن پیامبر ﷺ یعنی: «زُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تُذَكِّرُكُمْ الْآخِرَةَ» مستحب است.

دوم، زیارت آنها با هدف دعا برای اهل آنها باشد؛ چنان که از زیارت پیامبر ﷺ برای اهل بقیع ثابت شده است. این زیارت درباره هر مرده‌ای از مسلمانان مستحب است. سوم، زیارت قبور با هدف تبرک به اهل آنها، چنانچه اهل صلاح و خیر باشند، صورت گیرد. پیش از این، آنچه از بزرگان اهل سنت درباره زیارت قبر امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) نقل کردیم از این نوع زیارت است.

چهارم، زیارت با هدف ادای حق آنان باشد، زیارت کسی که حقی بر کسی دارد سزاوار است که در زمان زنده بودنش و پس از مرگش با او نیکی شود و زیارت از نیکی هاست؛ چون در آن احترام است. زیارت پیامبر ﷺ از قبر مادرش را می توان از این نمونه دانست؛ چنان که پیش از این روایت شده است که ایشان وقتی قبر مادر خود را زیارت کرد هم خود گریه کرد و هم کسانی که در اطراف او بودند گریه کردند.

از ابن عباس نقل شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «مَا مِنْ أَحَدٍ يَمُرُّ بِقَبْرِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ، يَعْرِفُهُ فِي الدُّنْيَا فَيَسْلِمُ عَلَيْهِ إِلَّا عَرَفَهُ وَرَدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ» (سبکی شافعی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۴۴ - ۲۴۶)؛ «هیچ کس نیست که از کنار قبر برادر مؤمن خود بگذرد که او را در دنیا می شناخت و بر او سلام کند، جز اینکه او را می شناسد و به سلام او پاسخ می دهد».

احادیث زیارت قبر پیامبر ﷺ

درباره زیارت قبر پیامبر ﷺ احادیث فراوانی در منابع شیعه و سنی وارد شده است که احادیثی از منابع اهل سنت را در پی می آوریم:

۱. از ابن عمر نقل شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ زَارَ قَبْرِي وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي» (مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۱۴، ص ۶۱۴؛ سمهودی، ۱۴۲۷، ج ۴، ص ۱۶۸؛ قاضی عیاض، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۷۱)؛ «هر کس قبر مرا زیارت کند شفاعت من برای او واجب می شود». حکیم ترمذی پس از نقل این حدیث نوشته است: پس زیارت قبر او هجرت مضطران است (حکیم ترمذی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۴۶۵).

۲. همچنین از ابن عمر نقل شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ جَاءَنِي زَائِرًا لَا يَعْمَلُهُ حَاجَةً إِلَّا زِيَارَتِي كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَكُونَ لَهُ شَفِيعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (طبرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۲، ص ۲۲۵، ح ۱۳۴۱۹؛ سبکی شافعی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۰۹، با سندهای متعدد)؛ «هر کس برای زیارت من بیاید و نیازی او را به آن وادار نکند جز زیارت من، بر من سزاوار است که شفیع او در روز قیامت باشم».

۳. طبرانی، مقریزی، بیهقی، سمهودی و سبکی با سندی از ابن عباس روایت کرده اند

که پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ حَجَّ وَ زَارَ قَبْرِي بَعْدَ مَوْتِي كَانَ كَمَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي» (طبرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۲، ص ۳۰۹ - ۳۱۰، ح ۱۳۴۹۶؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۱۴، ص ۶۱۱ - ۶۱۳؛ سمهودی، ج ۴، ص ۱۷۱؛ سبکی شافعی، ۱۴۲۹، ص ۱۱۴، با اسناد متعدد)؛ «هر کس حج بگذارد و قبر مرا پس از مرگ من زیارت کند مانند کسی خواهد بود که در زمان زنده بودنم مرا زیارت کرده است».

۴. طبرانی از ابن عمر نقل کرده است که پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ زَارَ قَبْرِي بَعْدَ مَوْتِي كَانَ كَمَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي» (طبرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۲، ص ۳۰۹ - ۳۱۰، ح ۱۳۴۹۶؛ سمهودی، ۱۴۲۷، ج ۴، ص ۱۷۳)؛ «هر کس قبر مرا پس از مردن من زیارت کند مانند کسی است که مرا در زمان زنده بودنم زیارت کرده باشد».

۵. از ابوهریره نقل شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ زَارَنِي بَعْدَ مَوْتِي فَكَأَنَّمَا زَارَنِي فِي حَيَاتِي» (قاضی عیاض، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۷۱؛ سمهودی، ۱۴۲۷، ج ۴، ص ۱۷۴)؛ «هر کس پس از مرگم مرا زیارت کند گویا مرا در زمان زنده بودنم زیارت کرده است». این حدیث از حاطب نیز روایت شده است (ابن منظور، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۴۰۶؛ سبکی شافعی، ۱۴۲۹، ص ۱۳۷).

۶. از ابوهریره نقل شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ زَارَنِي بَعْدَ مَوْتِي فَكَأَنَّمَا زَارَنِي وَأَنَا حَيٌّ وَمَنْ زَارَنِي كُنْتُ لَهُ شَهِيداً وَ شَفِيعاً يَوْمَ الْقِيَامَةِ». (همان، ص ۱۴۴)؛ «هر کس پس از مرگ من مرا زیارت کند مانند این است که مرا در حالی زیارت کرده که زنده هستم و هر کس مرا زیارت کند من در روز رستاخیز گواه و شفیع او خواهم شد».

۷. از انس بن مالک نقل شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ زَارَنِي بِالْمَدِينَةِ مُحْتَسِباً كُنْتُ لَهُ شَفِيعاً وَ شَهِيداً» (قاضی عیاض، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۷۱؛ سبکی شافعی، ۱۴۲۹، ص ۱۴۷؛ ابن منظور، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۴۰۶)؛ «هر کس برای پاداش الهی مرا در مدینه زیارت کند من شفیع و گواه بر او خواهم بود».

۸. از علی علیه السلام نقل شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ زَارَ قَبْرِي بَعْدَ مَوْتِي فَكَأَنَّمَا زَارَنِي، وَمَنْ لَمْ يَزُرْنِي فَقَدْ جَفَانِي» (سمهودی، ۱۴۲۷، ج ۴، ص ۱۷۶؛ سبکی شافعی، ۱۴۲۹، ص ۱۵۶)؛

«هر کس پس از مرگم قبر مرا زیارت کند گویا مرا در زمان زنده بودنم زیارت کرده و هر کس مرا زیارت نکند بر من جفا کرده است».

۹. از ابن عباس نقل شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ زَارَنِي بَعْدَ مَمَاتِي كَانَ كَمَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي، وَمَنْ زَارَنِي حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى قَبْرِي كُنْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَهِيداً أَوْ قَالَ: شَفِيعاً» (سبکی شافعی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۵۱)؛ «هر کس در زمان مرگم مرا زیارت کند مانند کسی است که در زنده بودنم مرا زیارت کرده و هر کس مرا زیارت کند تا آنجا که به قبر من برسد من در روز قیامت گواه بر او خواهم بود و یا فرمود: شفیع او خواهم بود».

۱۰. از ابن عمر نقل شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ حَجَّ الْبَيْتَ وَلَمْ يُزِرْنِي فَقَدْ جَفَانِي» (سبکی شافعی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۲۷)؛ «هر کس خانه خدا را زیارت کند و مرا زیارت نکند بر من جفا کرده است».

۱۱. از بکر بن عبدالله نقل شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ أَتَى الْمَدِينَةَ زَائِراً لِي وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (سمهودی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۱۷۷)؛ «هر کس با قصد زیارت من به مدینه بیاید شفاعت من برای او در روز رستاخیز واجب می شود».

صلوات و سلام بر پیامبر ﷺ

خداوند در قرآن می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيماً» (احزاب، ۵۶)؛ «خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده اید بر او درود فرستید و سلام گوید و تسلیم فرمانش باشید». این آیه به اتفاق نظر شیعه و سنی درباره پیامبر ﷺ و اهل بیت او نازل شده است.

در صحیح بخاری با سندی از کعب بن عجره نقل شده است که از پیامبر ﷺ درباره چگونگی صلوات پرسیدند. ایشان در پاسخ فرمود بگویند «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (بخاری، ۱۴۱۱ق، ج ۶، ص ۳۱ -

۳۲، ح ۴۷۹۷، و با تفاوتی ناچیز حدیث ۴۷۹۸؛ ابوداود سجستانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، کتاب الصلاة، باب الصلاة على النبي بعد التشهد، ص ۲۵۵، ح ۹۷۶؛ محب طبری، ۱۳۸۰ ش، ص ۳۳؛ طبرانی، ۱۴۰۵ق، ص ۹۱ - ۹۲، ح ۲۰۲؛ قسطلانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۵۰۸).

از ابوهریره نقل شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «ما من أحدٍ يُسَلِّمُ عَلَيَّ إِلَّا رَدَّ اللَّهُ عَلَيَّ رُوحِي حَتَّىٰ أَرُدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ» (سبکی شافعی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۶۰)؛ «هیچ کس نیست که بر من سلام کند، جز اینکه خدا روح مرا به من برمی گرداند تا به سلام او پاسخ بدهم».

سبکی شافعی در شرح جمله «رَدَّ اللَّهُ عَلَيَّ رُوحِي» دو احتمال و پاسخ ذکر کرده است: اول، حافظ ابوبکر بیهقی گفته است: معنای آن این است که پیامبر ﷺ پس از مردن و دفن شدن، روح او برای پاسخ به سلام سلام کننده بازگردانده شده، سپس به جسد او باز می گردد.

دوم، احتمال بازگرداندن معنوی داده می شود؛ به این گونه که روح شریف او به شهود حضرت الهی و ملأ اعلای این جهان اشتغال دارد و آن گاه که بر او سلام می شود روح شریف او بر این جهان توجه می کند تا سلام کسی را که بر او سلام فرستاده است درک کند و به آن پاسخ بدهد (همان، ص ۱۸۲ - ۱۸۳).

از ابوهریره نقل شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «ما من عبدٍ يُسَلِّمُ عَلَيَّ عِنْدَ قَبْرِي إِلَّا وَكَّلَ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا يُبَلِّغُنِي وَكْفَىٰ أَمْرَ آخِرَتِهِ وَدُنْيَاهُ وَكُنْتُ لَهُ شَهِيداً وَشَفِيعاً يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (همان، ص ۱۷۹؛ ابن منظور، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۴۰۶)؛ «هیچ بنده ای نیست که در کنار قبر من بر من سلام کند، جز اینکه خدا فرشته ای برای او می گمارد تا آن را به من برساند و برای کار آخرت و دنیا او را کفایت کند و من در روز قیامت گواه و شفیع او خواهم بود».

از ابوهریره نقل شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ عِنْدَ قَبْرِي سَمِعْتُهُ وَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ نَائِبًا بَلَغْتُهُ» (قاضی عیاض، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۶۶؛ سیوطی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۴۸۹؛ سبکی شافعی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۷۸)؛ «هر کس نزد قبر من بر من صلوات بفرستد من آن را

می شنوم و هر کس از راه دور بر من سلام کند آن سلام به من رسانده می شود». سبکی شافعی با صحیح دانستن حدیث یادشده نوشته است: بنابراین حرص بر آن و متعرض شدن شنواندن سلام به او صلی الله علیه و آله سزاوار است و این با حضور نزد قبر او و نزدیک شدن به آن پدید می آید. (سبکی شافعی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۸۰ - ۱۸۱).

زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله از سوی صحابه و تابعین

۱. روایت شده است: در هنگام رفتن برای زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله ابوبکر به علی علیه السلام گفت: من از مردی پیشی نمی گیرم که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره او فرمود: «عَلَيَّ مَنِّي بِمَنْزِلَتِي مِنْ رَبِّي» (ابن حجر هيثمي، ۱۳۸۵ق، ص ۱۷۷؛ طبری، ۱۳۸۳ش، ص ۶۴؛ باعونی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ب ۱۰، ص ۵۹؛ خوارزمی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۹۷، ح ۲۹۲)؛ «جایگاه علی نسبت به من به مانند جایگاه من در پیشگاه خداست». این حدیث را ابن سمعان نقل کرده است. مقصود از این خبر این است که خلفا با اینکه در مدینه حضور داشتند، به زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می رفتند.

۲. مقریزی از ابراهیم بن عبدالرحمان بن عبدالله نقل کرده است که گفت: من نزد سعید بن مسیب نشسته بودم. دیدم مردم به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله پناه می برند. سعید گفت: آنان فکر می کنند که در قبر او چیزی است که در بیش از چهل شب در قبرش دیده می شود و محمد بن حسن از عثمان از حکم بن عیینه از سعید مانند آن را برای من روایت کرده است. بیهقی می گوید: بنابراین آنان (پیامبر و اهل بیت) مانند دیگر زندگان رفتار می کنند... و برای زنده بودن پیامبران پس از مرگشان شواهدی از احادیث صحیح وجود دارد (مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۳۰۴).

۳. نقل شده است: یکی از کسانی که برای زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله از شام مسافرت کرد و به زیارت قبر او در مدینه رفت بلال بن رباح، مؤذن پیامبر صلی الله علیه و آله، بود (ذهبی، ج ۱، ص ۳۵۸؛ ابن عساکر، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۱۳۷؛ سبکی شافعی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۸۵؛ سمهودی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۱۸۲).

۴. ابن مغازلی خبری از امام زین العابدین علیه السلام نقل کرده که در آن آمده است: در

حالی که ما به زیارت قبر جدمان مشغول بودیم...» (ابن مغازلی، ۱۳۹۴ق، ص ۶ - ۸). امام زین العابدین (علیه السلام) شخصیتی در خور اعتماد و احترام نزد اهل سنت نیز هست. ابن تیمیه نیز درباره او نوشته است: از اجل تابعین در علم و دین است» (ابن تیمیه، بی تا، ص ۹۲).

۵. هارون عباسی در زمان خلافت خود به زیارت قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) رفت و بر او سلام داد. کنار او امام موسی بن جعفر (علیه السلام) (که اهل سنت او را به خاطر علم، فضل، تقوا و عبادت ستوده اند) نیز به زیارت آمد و با عنوان جد خود بر او سلام داد (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۲۷۳؛ همو، ۱۴۰۷ق، ج ۱۲، ص ۴۱۸؛ ابن طولون، بی تا، ص ۹۰ - ۹۱).

۶. با سندهای صحیح از عبدالرزاق نقل شده است که گفت: ابن عمر هر گاه از مسافرتی بازمی گشت کنار قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) می آمد و می گفت: «السَّلامُ عَلَیکَ یا رسولَ الله...». در الموطأ روایت یحیی بن یحیی آمده است: ابن عمر کنار قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) می ایستاد و بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) سلام می کرد.

نیز از ابن عون نقل شده است که گفت: مردی از نافع پرسید: آیا ابن عمر بر قبر سلام می داد؟ گفت: آری، من صد یا بیشتر از صد بار او را دیدم که کنار قبر می آمد و نزد آن می ایستاد و می گفت: السَّلامُ عَلَی النَّبِیِّ...» (قاضی عیاض، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷۳؛ سمهودی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۸۳).

۷. از عبدالله بن منیب بن عبدالله بن ابی امامه از پدرش نقل شده است که گفت: من انس بن مالک را دیدم که کنار قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد و ایستاد و دست های خود را بالا آورد؛ تا آنجا که گمان کردم او نماز آغاز می کند. پس بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) سلام کرد، سپس بازگشت (سبکی شافعی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۲۰، به نقل از: قاضی عیاض، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷۳).

۹. سمهودی نوشته است: جعفر بن محمد بن علی بن حسین از جد خود [علی بن حسین (علیه السلام)] روایت کرده است که او هر گاه برای سلام بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) می آمد در کنار استوانه ای، که در کنار روضه قرار دارد، می ایستاد؛ سپس سلام می کرد؛ آن گاه می گفت:

اینجا سر پیامبر ﷺ است (سمهودی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۱۳۴).

۱۰. خبر مستفیض از عمر بن عبدالعزیز رسیده است که او از شام برید [به مدینه] می‌فرستاد، به او می‌گفت: «سَلِّمْ لِي عَلَى رَسُولِ اللَّهِ» (همان، ج ۴، ص ۸۳؛ سبکی شافعی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۸۹؛ قاضی عیاض، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷۳). او در صدر تابعین قرار داشت.

سبکی سپس نوشته است: سفر بلال در زمان صدر صحابه و فرستاده عمر بن عبدالعزیز در صدر تابعین از شام به مدینه جز این نبود که برای زیارت و سلام بر پیامبر ﷺ و انگیزه سفر می‌رفت، نه برای امر دنیا و نه برای امر دین، نه با قصد مسجد و نه برای جز آن. این سخن را برای این جهت گفته‌ایم تا برخی از کسانی که دانشی ندارند نگویند که سفر اگر تنها برای زیارت باشد سنت نیست (سبکی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۹۰).

۱۱. از فتوح الشام نقل شده است: آن‌گاه که عمر با اهل بیت المقدس صلح کرد و کعب الاحبار بر او وارد شد و اسلام آورد، عمر به اسلام آوردن او شاد شد و به او گفت: «آیا می‌خواهی با من به مدینه بیایی و قبر پیامبر ﷺ را زیارت کنی و به زیارت او متمتع گردی؟» گفت: «آری ای امیر مؤمنان، من این کار را انجام می‌دهم». آن‌گاه عمر وارد مدینه و داخل مسجد شد، و بر پیامبر ﷺ سلام کرد (همان، ص ۱۹۱).

۱۲. از سلیمان بن سُحیم نقل شده است که گفت: من پیامبر ﷺ را در خواب دیدم و گفتم: «ای پیامبر خدا، اینان که نزد تو می‌آیند و بر تو سلام می‌کنند آیا به سلام آنان آگاهی پیدا می‌کنی؟» فرمود: «نَعَمْ، وَ أَرُدُّ عَلَيْهِمْ» (قاضی عیاض، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۶۷؛ سبکی شافعی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۸۱).

۱۳. از ابراهیم بن شیبان نقل شده است که گفت: در یکی از سال‌ها به حج رفتم و به مدینه نزد قبر پیامبر ﷺ آمدم و بر او سلام کردم از داخل حجره شنیدم که گفته شد: «عَلَيْكَ السَّلَام» (سبکی شافعی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۸۱).

۱۴. از ابن ابی فُذَیک نقل شده است که گفت: من از بعضی کسانی که دیده‌ام شنیدم

می‌گفت: به ما خبر رسید اگر کسی نزد قبر پیامبر ﷺ بایستد و آیه «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ...» (احزاب، ۵۶) را بخواند و بگوید: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ»، و هفتاد بار آن را بگوید، فرشته‌ای او را ندا می‌دهد: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا فُلَانُ» و هیچ حاجتی از او بر زمین نمی‌ماند (قاضی عیاض، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷۲).

بر این اساس بر مشروعیت زیارت قبر پیامبر ﷺ به طور مطلق، چه برای ساکنان مدینه و چه برای مسافران، هم روایت از پیامبر ﷺ، و هم دلیل از سیره خلفا و برخی صحابه و تابعین وجود دارد.

زیارت قبر پیامبر ﷺ نزد عالمان اهل سنت

۱. نقل شده است که ابوزکریا نووی درباره زیارت قبر پیامبر ﷺ گفته است: بدان که زیارت قبر پیامبر ﷺ از اهم قربات و موفق‌ترین تلاش‌هاست. آن‌گاه که حاجیان و عمره‌گزاران از مکه بازمی‌گردند برای آنان مستحب مؤکد است که به مدینه برای زیارت او بروند و زائر از زیارت و شدّ رجال به آن تقرب به خدا را قصد کند (المجموع، ج ۸، ص ۲۰۴، به نقل از: ممدوح، ۱۴۱۶ق، ص ۵۱). نووی حکم یادشده برای زیارت را با استناد به حدیث ابن عمر از پیامبر ﷺ در کتاب فقهی خود نیز بیان کرده است. (الایضاح، مناسک الحج، ص ۲۱۴، به نقل از: ممدوح، ۱۴۱۶ق، ص ۵۱).

۲. سمهودی دو فصل از کتاب وفاء الوفا را به ادله جواز زیارت اختصاص داده و درباره فصل دوم نوشته است: «فی بقیة أدلة الزیارة... و بیان تأکّد مشروعیتها و قربها من درجة الوجوب، حتّی أطلقه بعضهم علیها، و بیان حیات النبی فی قبره، و صحّة نذر زیارتیه ﷺ والاستئجار للسلام علیها» (سمهودی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۱۷۷). سمهودی ذیل این عنوان اخبار دیگر زیارت را نیز که با لفظی جز لفظ زیارت وارد شده نقل کرده است.

۳. ابن حجر هیتمی در حاشیه الایضاح در شرح حدیث نوشته است: حدیث زیارت پیامبر ﷺ، در حال حیات و ممات مرد و زن را که از نزدیک و دور بیایند شامل می‌شود و به

آن بر فضیلت شدّ رحال برای آن و استحباب سفر برای زیارت استدلال می‌شود؛ زیرا وسائل حکم مقاصد را دارد (الایضاح، حاشیه، ص ۲۱۴، به نقل از: ممدوح، ۱۴۱۶ق، ص ۵۲).

۴. ابن همام حنفی در شرح فتح القدير گفته است: مقصد سوم در زیارت قبر پیامبر ﷺ است. مشایخ ما رحمهم الله گفته‌اند: از افضل مندوبات است و در مناسک الفارس و شرح المختار آمده است: برای کسی که در گشایش باشد نزدیک به وجوب است. او پس از سخنی گفته است: در آنچه که نزد بنده ضعیف واقع می‌شود سزاوار این است نیت را برای زیارت قبر پیامبر ﷺ خالص گرداند (ابن همام حنفی، شرح فتح القدير، ج ۳، ص ۱۷۹ - ۱۸۰، به نقل از: ممدوح، ۱۴۱۶ق، ص ۵۲).

۵. علامه کشمیری در تعلیقه بر حدیث نوشته است: این نزد من حق است؛ زیرا هزاران هزار از پیشینیان برای زیارت قبر پیامبر ﷺ شدّ رحال می‌کردند و آن را از بزرگ‌ترین وسایل تقرب به خدا می‌دانستند. این سخن که «اخلاص در نیت‌های آنان برای مسجد بوده، نه برای روضه مبارکه» باطل است، بلکه قطعاً زیارت قبر پیامبر ﷺ را نیت می‌کردند (کشمیری، فیض الباری، ج ۲، ص ۴۳۳، به نقل از: ممدوح، ۱۴۱۶ق، ص ۵۲).

۶. حسن بن زیاد از ابوحنیفه روایت کرده است: اگر حج واجب باشد، برای حاجی بهتر این است که با حج آغاز کند؛ سپس به مدینه برود و اگر با مدینه آغاز کند، جایز است نزدیک قبر پیامبر ﷺ بیاید و در میان قبله و قبر قرار بگیرد... (سُبکی شافعی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۰۵؛ ردّ المحتار الی الدر المختار، ج ۲، ص ۲۵۷، به نقل از: ممدوح، ۱۴۱۶ق، ص ۵۳).

حنفیه گفته‌اند: زیارت قبر پیامبر ﷺ از افضل مندوبات و مستحبات است، بلکه به واجبات نزدیک است (سمهودی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۱۸۹ - ۱۹۰؛ سُبکی شافعی، ص ۲۰۴). مالکیه و حنابله نیز همین گونه بر آن تصریح کرده‌اند (سمهودی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۱۸۹ - ۱۹۰).

۷. قاضی عیاض در الشفاء گفته است: «فصل فی حکم زیارة قبر النبی ﷺ و فضیلة من زاره و سلّم علیه و کیف یسلّم و یدعو». زیارت قبر پیامبر ﷺ سنتی از سنت‌های مسلمانان

بوده و بر این فضیلت اجماع، به آن ترغیب و تشویق شده است. (قاضی عیاض، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷۱؛ سبکی شافعی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۰۲؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص ۶۱۷).

۸. قاضی عیاض از اسحاق بن ابراهیم فقیه نقل کرده است که گفت: از برنامه‌های حج کنندگان از گذشته عبور کردن از مدینه، قصد نماز در مسجد پیامبر خدا ﷺ، تبرک به دیدن روضه و منبر او و قبر و مکان نشستن او و لمس کردن مکان دست او و مکان گام‌های او و ستونی که او بر آن تکیه می‌زد و جبرئیل با وحی الهی بر او نازل می‌شد بوده است (قاضی عیاض، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷۲؛ سبکی شافعی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۹۸).

۹. از محاملی در التجرید نقل شده است که گفت: برای حاجی آن‌گاه که از مکه فراغت پیدا کرد مستحب است قبر پیامبر ﷺ را زیارت کند (سبکی شافعی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۰۲).

۱۰. از ماوردی در الحاوی نقل شده است که گفت: اما زیارت قبر پیامبر ﷺ؛ به آن امر شده و مندوب‌الیه است (همان، ص ۲۰۳).

۱۱. صاحب‌المهدب، ابواسحاق ابراهیم بن علی بن یوسف فیروزآبادی گفته است: زیارت قبر پیامبر خدا ﷺ مستحب است (سبکی شافعی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۰۳).

۱۲. قاضی حسین گفته است: آن‌گاه که [حاجی] از حج فراغت پیدا کرد سنت این است... سپس به مدینه بیاید و قبر پیامبر ﷺ را زیارت کند (همان، ص ۲۰۴).

۱۳. از رؤیانی نقل شده است که گفت: مستحب است آن‌گاه که [حاجی] از حج خود فراغت پیدا کرد قبر پیامبر ﷺ را زیارت کند (همان).

۱۴. ابوالعباس سروجی گفته است: آن‌گاه که حاجی و عمره‌گزار از مکه بازگشت باید به مدینه طیبه پیامبر خدا ﷺ و زیارت قبر او برود؛ زیرا آن از موفق‌ترین تلاش‌هاست» (همان، ص ۲۰۵، به نقل از: الغایه).

۱۵. به همین گونه حنبلی‌ها نیز بر این امر تصریح کرده‌اند. ابوالخطاب محفوظ بن احمد بن حسن کلوذاتی حنبلی در کتاب الهدایه در آخر «باب صفة الحج» گفته است:

آن‌گاه که از حج فراغت پیدا کرد برای او زیارت قبر پیامبر ﷺ و... مستحب است». (همان، ص ۲۰۵ - ۲۰۶).

۱۶. ابو عبد الله محمد بن عبدالله بن حسین بن احمد بن قاسم بن ادریس سامری (از فقیهان معروف حنابله) در کتاب المستوعب «باب زیارة قبر النبی ﷺ» نوشته است: آن‌گاه که به مدینه الرسول داخل شد مستحب است برای داخل شدن آن غسل کند؛ سپس به مسجد پیامبر ﷺ بیاید و در هنگام داخل شدن پای راست خود را مقدم بدارد؛ سپس به جانب دیوار قبر بیاید و در ناحیه ای بایستد و قبر را برابر چهره خود، و قبله را پشت سر خود، و منبر را در جانب چپ خود قرار بدهد - آن‌گاه چگونگی سلام و دعا را تا آخرش ذکر کرد - ... سپس گفت: آن‌گاه که قصد کرد بیرون بیاید به قبر پیامبر خدا ﷺ برگردد و وداع کند (همان، ص ۲۰۶).

در پاورقی کتاب مذکور حسین محمد علی شکری، محقق کتاب، اقوال بزرگان دیگر فقیهان حنابله را نیز درباره استحباب زیارت قبر پیامبر ﷺ نقل کرده است.

۱۷. نجم الدین بن حمدان حنبلی در الرعاية الكبرى گفته است: برای کسی که از مناسک (اعمال حج) خود فراغت پیدا کرد زیارت قبر پیامبر ﷺ و... سنت است. این کار برای او پس از فراغت از حج است و اگر خواست، پیش از فراغ از آن باشد (همان، ص ۲۰۸).

۱۸. در کتاب تهذیب الطالب تألیف عبدالحق صقلی از شیخ ابو عمران مالکی نقل شده است: زیارت قبر پیامبر ﷺ واجب است. عبدالحق گفت: مقصود او این است که از سنت‌های واجب است (همان، ص ۲۰۹).

۱۹. سمهودی نوشته است: از کسانی که آغاز کردن به مکه، سپس آمدن به مدینه و قبر را اختیار کرده‌اند امام ابوحنیفه است و سبکی اجماع قولی و عملی (سبکی شافعی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۰۴) بر زیارت را توضیح داده و در این زمینه سخن امامان اهل سنت را نقل کرده است؛ از اینکه این کار تقرب [به خدا] است، به دلیل کتاب، سنت، اجماع و قیاس

(سمهودی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۱۸۵). او سپس دلایل چهار گانه خود را ذکر کرده است.

۲۰. شیخ مرعی بن یوسف حنبلی ذیل احکام حج گفته است: و زیارت قبر پیامبر ﷺ و... سنت است و نماز در مسجد ایشان ﷺ مستحب است (حنبل، ۱۳۸۹ق، ص ۹۴).

۲۱. شیخ محمد بن مانع در حاشیه کتاب درباره سلام نیابتی نوشته است: و اگر کسی او را سفارش کرد، بگوید: «السلام علیک یا رسول الله من فلان بن فلان» (همان، ص ۹۴، پاورقی).

۲۲. قاضی عیاض نوشته است: محمد گفت: و آن گاه که بیرون می آید آخرین عهد خود را وقوف نزد قبر قرار بدهد و به همین گونه کسی که به سفر می رود (قاضی عیاض، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷۴).

نتیجه گیری

زیارت قبور - که مقصود زیارت صاحبان قبور با حضور یافتن کنار گورها و قرائت قرآن و سلام بر صاحبان آن و خواندن دعا و زیارتنامه است - کاری خردمندانه است و مشروعیت و جواز و بلکه گاهی استحباب آن از ادله نقلیه (کتاب خدا و سنت) استفاده می شود. بعضی از این اخبار بر مطلق زیارت قبور مسلمانان، و بعضی دیگر بر زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ به طور خاص دلالت می کند. در بعضی از این اخبار برای آن فواید و پاداش نیز بیان شده است.

اخبار وارد شده درباره فضیلت و ارزش زیارت قبور در مجموع تواتر معنوی دارد؛ یعنی استفاده می شود که مضمون مشترک آن، که ارزش و استحباب زیارت قبور است، قطعاً از پیامبر اکرم ﷺ صادر شده است. از سوی دیگر علمای بزرگ اهل سنت نیز برای زیارت قبور ارزش فراوان قائل شده و آن را مشروع و جایز دانسته اند.

افزون بر این زائر کنار قبور بزرگان دین و مذهب، به ویژه کنار قبر پیامبر ﷺ، به حضرت متوسل می شود و حاجات شرعی خود را از خدا درخواست می کند. این توسل نیز اگر به

این دلیل باشد که صاحب قبر از اولیای الهی است و مأذون از جانب خدا در برآوردن حاجات است، چنانچه دعای مستقیم در پیشگاه خدا را تحت الشعاع قرار ندهد، با توحید خدا نیز سازگار است و برخلاف پندار معدودی از سلفیون منتسب به اهل سنت شرک نیست و هیچ گونه اشکال شرعی ندارد، بلکه در طول توحید است و از استحباب و فضیلت و آثار نیکویی برخوردار است.

منابع

* قرآن کریم. ترجمه آیت الله العظمی مکارم شیرازی

۱. ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد (۱۴۲۱ق)، کتاب المغازی، تحقیق عبدالعزیز بن ابراهیم عمری، دار اشبیلیا، ریاض.

۲. ----- (۱۴۰۹ق)، المصنّف فی الاحادیث والآثار، دار الفکر، بیروت.

۳. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم (بی تا)، کتاب الردّ علی الاخوانی، تصحیح و تخریج عبدالرحمان بن یحیی یمانی، المطبعة السلفية و مکتبتهای شارع الفتح بالروضة.

۴. ----- (۱۴۲۷ق)، مختصر منهاج السنّة النبویّه، تلخیص: عبدالله بن محمد غنیمان، دار کنوز اشبیلیا، ریاض.

۵. ابن حبان بستی، محمد بن حبان (۱۳۹۳ق)، کتاب الثقات، دار الفکر، بیروت.

۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۳ق)، تهذیب التهذیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۷. ----- (۱۴۲۷ق)، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، تصحیح و تحقیق عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، دار الکتب الفکر، بیروت.

۸. ابن حجر هیتمی، احمد بن حجر (۱۳۸۵ق)، الصواعق المحرقة فی الردّ علی اهل البدع والزندقه، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، ج ۲، مکتبة القاهرة، قاهره.

۹. ابن طولون، شمس الدین محمد (بی تا)، الاثمة الاثنا عشر (الشدرات الذهبیة)، دار بیروت و دار صادر، بیروت، بی تا.

۱۰. ابن عساکر، علی بن الحسین (۱۴۱۷ق)، تاریخ مدینة دمشق، دار الفکر، بیروت.

۱۱. ابن ماجه، محمد بن یزید (۱۳۹۵ق)، سنن ابن ماجه، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۱۲. ابن مغازلی، علی بن محمد (۱۳۹۴ق)، مناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، المكتبة الاسلاميه، تهران.
۱۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۲ق)، مختصر تاريخ دمشق لابن عساکر، تحقيق روحية النحاس و رياض عبد الحميد مراد و محمد مطيع، دار النشر، دار الفكر للطباعة والتوزيع والنشر، دمشق.
۱۴. ابوداود سجستاني، سليمان بن اشعث (۱۴۱۲ق)، سنن ابی داود، تحقيق محمد عبدالعزيز الخالدي، دار الكتب العلمية، بيروت، و دار الجيل، بيروت.
۱۵. ابوداود طيالسي، سليمان بن داود (۱۴۲۵ق)، مسند ابی داود، تحقيق محمد حسن اسماعيل، دار الكتب العلمية، بيروت.
۱۶. ابويعلی موصلي، احمد بن علی (۱۴۲۲ق)، مسند ابی يعلى، تحقيق ظهيرالدين عبدالرحمان، دارالفکر، بيروت.
۱۷. باعونی شافعی، محمد بن احمد (۱۴۱۵ق)، جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی طالب عليه السلام، تحقيق محمد باقر محمودی، مجمع احیاء الثقافة الاسلاميه، قم.
۱۸. بخاری، محمد بن اسماعيل (۱۴۱۱ق)، صحيح البخاری، تحقيق عبدالعزیز بن عبدالله بسانه، دار الفكر، بيروت.
۱۹. بيهقي، احمد بن حسين (۱۴۱۶ق)، السنن الكبرى، دار الفكر، بيروت.
۲۰. ----- (۱۴۰۵ق)، دلائل النبوة، دار الكتب العلمية، بيروت.
۲۱. ترمذی، محمد بن عيسى (۱۴۲۲ق)، سنن الترمذی، تخريج و ترقیم و ضبط صدقي جميل عطار، دار الفكر، بيروت.
۲۲. جزائري، عبدالرحمن (۱۴۰۶ق)، كتاب الفقه على المذاهب الاربعة، دار احیاء التراث العربی، بيروت.
۲۳. حكيم ترمذی، محمد بن علی (۱۴۲۹ق)، نوادر الاصول فی معرفة احاديث الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، تحقيق اسماعيل ابراهيم متولّي عوض، مكتب الامام بخاری، قاهره.
۲۴. حنبلي، شيخ مرعي بن يوسف (۱۳۸۹ق)، دليل الطالب على مذهب الامام الميجل احمد بن حنبل، مكتب الاعلام الاسلامی، قم.
۲۵. خوارزمي، احمد بن محمد (۱۴۱۱ق)، المناقب، مؤسسة النشر الاسلامی، قم.
۲۶. ذهبي، محمد بن احمد (۱۴۰۷ق)، تاريخ الاسلام، تحقيق محمد عبدالسلام تدمري، دار الكتب العربی.

٢٧. ----- (١٤١٣ق)، سِيَرُ اَعْلَامِ النَبَلَاءِ، مؤسسة الرسالة، بيروت.
٢٨. سبكي شافعي، على بن عبد الكافي (١٤٢٩ق)، شفاء السَّقام في زيارة خير الانام ﷺ، دار الكتب العلمية، بيروت.
٢٩. سمهودي، على بن احمد (١٤٢٧ق)، وفاء الوفا باخبار دار المصطفى ﷺ، تحقيق خالد عبد الغنى محفوظ، دار الكتب العلمية، بيروت.
٣٠. سيوطي، عبد الرحمن بن ابي بكر (١٤٠٥ق)، الخصائص الكبرى، دار الكتب العلمية، بيروت.
٣١. صلابي، على محمد (١٤٢٩ق)، فكر الخوارج والشيعة في ميزان اهل السنة، دار الاندلس الجديدة، مصر.
٣٢. طبراني، سليمان بن احمد (١٤٠٥ق)، المعجم الكبير، دار احياء التراث العربي، بيروت.
٣٣. طباطبائي، سيد محمد حسين (١٤١٧ق)، الميزان في تفسير القرآن، دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين، قم.
٣٤. طبري، احمد بن محمد (١٣٨٠ش)، مختصر ذخائر العقبي في مناقب ذوى القربى، تحقيق اكرم بوشى، مكتبة الامين، ايران و لبنان و كويت.
٣٥. ----- (١٣٨٣ش)، مناقب الإمام أمير المؤمنين على بن ابي طالب من الرياض النضرة، تحقيق محمد باقر محمودي، بوستان كتاب، قم.
٣٦. طُزَيْحِي، فخر الدين بن محمد (١٣٧٥ش)، مجمع البحرين، تصحيح احمد حسيني اشكوري، مرتضوى، تهران.
٣٧. قاضى عياض، عياض بن موسى يَخْضَبِي (١٤١٥ق)، الشفا بتعريف حقوق المصطفى، دار الفكر، بيروت.
٣٨. قسطلاني، احمد بن محمد (١٤١٦ق)، المواهب اللدنية بالمنح المحمدية، دار الكتب العلمية، بيروت.
٣٩. متقى هندی، على بن حسام الدين (١٤١٣ق)، كنز العمال في سنن الأقوال و الأفعال، مؤسسة الرسالة، بيروت.
٤٠. مجلسي، محمد باقر بن محمد تقى (١٤٠٣ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار، تصحيح جمعی از محققان، ج ٢، دار احياء التراث العربي، بيروت.
٤١. مسلم بن حجاج (٢٠٠١م)، صحيح المسلم شرح النَوَوِي، مؤسسة المختار، قاهره.

۴۲. معین، محمد (۱۳۶۳ ش)، فرهنگ فارسی، مؤسسه انتشارات امیر کبیر وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی، تهران.
۴۳. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۲ ق)، کتاب المزار، تصحیح محمد باقر ابطحی، کنگره جهانی شیخ مفید، قم.
۴۴. مقریزی، احمد بن علی (۱۴۲۰ ق)، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع، تحقیق محمد عبدالحمید النمیسی، دار الکتب العلمیه، بیروت.
۴۵. ممدوح، محمود سعید (۱۴۱۶ ق)، رفع المنارة لتخريج أحاديث التوسل والزیارة، دار الامام التوی، عمان.
۴۶. نسائی، احمد بن شعیب (۱۴۱۵ ق)، سنن النسائی (شرح الحافظ جلال السيوطی)، ضبط و توثیق صدقی جمیل عطار، دار الفکر، بیروت.
۴۷. واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ ق)، کتاب المغازی، تحقیق دکتر مارسدن جوس، مؤسسة الاعلامی للمطبوعات، بیروت.

